

انواع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان

سیده هدیه‌الزهرا صمیمی^۱، تقوی کنانی^۲

چکیده

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، با هدف بررسی تطبیقی انواع محجورین و حدود حجر آنها در دو نظام حقوقی ایران و آلمان انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محجورین در هردو نظام شامل صغار، مجانین و سفیهان هستند. در حقوق آلمان علاوه بر این موارد، افراد معتاد به مواد مخدر نیز جزو محجورین محسوب می‌شوند. در هردو سیستم، محجورین یا به طور کامل محدود هستند یا صلاحیت انجام اعمالی را دارند که نافع باشند. اگرچه هردو نظام نهاد قیومیت را لازم می‌دانند در حقوق آلمان به استقلال فردی و تصمیم‌گیری‌های شخصی محجوران اهمیت بیشتری داده شده است، در حالی که در حقوق ایران، اختیارات گستردۀ‌تری به ولی یا قیم واگذار شده است. با وجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌های معناداری بین دو نظام وجود دارد که ناشی از مبانی فقهی-شرعی در ایران و اصول سکولار و مدنی در آلمان است. به نظر می‌رسد با مطالعات تطبیقی می‌توان از نقاط قوت هر نظام برای تکمیل و بهبود نظام دیگر بهره برد.

واژگان کلیدی: صغیر، مجنون، غیررشید، ایران، آلمان، قیم.

۱. مقدمه

حجر، یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق مدنی، وضعیتی حقوقی است که براساس آن، فرد به دلیل شرایط خاص جسمی، روانی یا اجتماعی قادر به اعمال حقوقی خود به صورت مستقل

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

و کامل نیست. این وضعیت می‌تواند ناشی از نقصان عقلی، عدم رشد کافی یا نیاز به حمایت دربرابر سوءاستفاده‌های احتمالی باشد. از منظر حقوقی، تعریف دقیق محجورین و تعیین حدود حجر آنها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا به طور مستقیم بر توانایی افراد برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی تأثیر می‌گذارد. نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود، رویکردهای متفاوتی نسبت به موضوع حجر اتخاذ کرده‌اند. در حقوق ایران که به شدت متأثر از اصول و احکام فقه اسلامی است انواع محجورین و حدود حجر آنها براساس معیارهای شرعی تعریف شده است. از سوی دیگر، حقوق آلمان که یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو در اروپاست مبتنی بر اصول سکولار و قواعد مدرن، دیدگاه متفاوتی به این موضوع دارد. تفاوت در مبانی نظری این دو نظام حقوقی باعث شده است که معیارها و آثار حقوقی مربوط به محجورین نیز در آنها متفاوت باشد.

مطالعه تطبیقی موضوع حجر در دو نظام حقوقی ایران و آلمان نه تنها به درک بهتر این مفهوم در چارچوب‌های نظری و عملی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای شناسایی نقاط قوت و ضعف هریک از این نظام‌ها باشد. بررسی چنین موضوعی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا حقوق مدنی در هردو کشور به دنبال حفظ تعادل میان حمایت از افراد آسیب‌پذیر و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی است. موضوع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان در قالب انواع کتب و مقالات بررسی شده است، اما مطالعه تطبیقی این دو نظام کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، بررسی تطبیقی انواع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان ضروری به نظر می‌رسد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۱. محجور

محجور از ریشه حجر و به معنی منع و بازداشت است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۳۷۲۸) در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از بخشی از تصرفات و اعمال حقوقی منع شده است

(جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۶). حجر عبارت است از: منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و اعمال حقوقی انجام دهد و فاقد اهلیت استیفا باشد (رفیعی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۵).

۲-۲. صغیر

صغر در لغت به معنای خرد و کوچک است. (دهخدا، ۱۳۶۳، ص ۲۷۸۳) در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

۳-۲. رشید

رشید در لغت به معنای رشدیافته است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۲۳۸۴) براساس ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، در اصطلاح حقوقی، رشید به کسی اطلاق می‌شود که به سن رشد رسیده باشد، تصرفاتش در اموالش عقلایی باشد و توانایی اداره اموالش را داشته باشد.

۴-۲. قیم

قیم در لغت به معنای حمایت و سرپرستی است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۲۵۲۳) در اصطلاح به کسی اشاره دارد که از طرف دادگاه به تقاضای دادستان و برای حمایت از محجورین یعنی، برای مواظبت شخص او و اداره اموالش تعیین می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳).

۳. انواع محجورین و مسئولیت مدنی آنها در حقوق ایران

۳-۱. انواع محجورین

براساس ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، محجورین شامل صغار، غیررشید و مجانین هستند و در قانون مدنی ایران تنها همین سه دسته رسمیت دارند. این ماده تمرکزش بر افرادی است که به دلیل نیاز به حمایت قانونی، محدودیت‌هایی در تصرفاتشان دارند. برای تشخیص محجورین باید دلیل کافی وجود داشته باشد. بنابراین، اگر کسی خارج از این گروه‌ها محدودیتی در اختیاراتش داشته باشد به دلایلی غیر از نقص یا فقدان اراده است.

۱-۱-۳. صغیر

صغری براساس قانون مدنی به کسی گفته می شود که به سن ۱۸ سال نرسیده باشد و توانایی اداره امور مالی خود را به طور مستقل نداشته باشد. این نکته قبل از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ بود. با توجه به تغییرات صورت گرفته، سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری درنظر گرفته شده است. (صفایی، ۱۳۸۲) در حقوق ایران، صغیر به فردی اطلاق می شود که هنوز به سن قانونی رشد و بلوغ برای اعمال حقوقی و مالی نرسیده است.

(اول) صغیر ممیز و صغیر غیرممیز: صغیر به دو دسته صغیر ممیز و غیرممیز تقسیم می شود. صغیر غیرممیز، اراده انسایی و توانایی تشخیص سود و زیان و زیبا و زشت را ندارد. صغیر ممیز شخصی است که توانایی تشخیص سود و زیان و مانند آن را دارد و از طرفی قوه درک و تمیز نسبی دارد. قسمت اعظم محتوای مقاله حاضر متمرکز بر صغیر ممیز است. صورت بروز اختلاف، تشخیص آن بر عهده دادرس است. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰)

(دوم) تردید در وصف تمیز: تشخیص ممیز یا غیرممیز بودن صغیر اهمیت زیادی دارد. براساس ادله اثبات دعوا، طرفی که سخنشن موافق با اصل است نیاز به دلیل ندارد و دلیل باید توسط کسی ارائه شود که ادعایش خلاف اصل است. به همین دلیل، عدم تمیز در صغیر بر تمیز مقدم است. در صورت شک، حکم به بقای حالت سابقه داده می شود. بنابراین، در مورد معامله صغیر، کسی که این معامله را باطل می داند نیازی به دلیل و اثبات ادعای خود ندارد، بلکه طرف دیگر که صغیر را ممیز و دارای اراده حقوقی می داند باید به دنبال دلیل و اثبات ادعای خود باشد. (ارشدی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶)

(سوم) اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی صغیر ممیز: اعمال حقوقی به کارهایی مانند عقود و ایقاعات اطلاق می شود که افراد برای رسیدن به برخی آثار حقوقی انجام می دهند. افراد برای انجام اعمال حقوقی باید قدرت تمیز و اراده داشته باشند تا بتوانند امور مختلف را از یکدیگر تشخیص دهند. صغیر غیرممیز تمام اعمال حقوقی اش باطل است و هیچ اثر حقوقی ندارد؛ زیرا

فاقد اراده حقوقی یا انشایی است. زمانی که صغیر نیروی تمیز داشته باشد، می‌تواند اعمال حقوقی را به طور مستقل انجام دهد. در مواردی، صغیر ممیز می‌تواند اعمال حقوقی نافع را به طور مستقل انجام دهد و در این باره به اذن ولی یا قیم نیازی ندارد. در مورد اینکه آیا صغیر می‌تواند وکالت بپذیرد یا نه بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای براین باور هستند که پذیرش وکالت برای صغیر ممیز مشکلی ندارد؛ زیرا این کار هم برای او سودمند است و هم به او امکان می‌دهد که بدون ایجاد تعهدی برای خود، تجربه کسب کند. گروهی دیگر معتقد هستند که ممنوعیت‌های مربوط به صغیر ممیز فقط شامل تصرف در اموال خودش است و نه تصرف در اموال دیگران به شرطی که این اقدام با اجازه صاحب مال باشد. براساس این نظر، صغیر ممیز حتی بدون اجازه ولی خود می‌تواند وکالت شخص دیگری را بپذیرد.

برخی معتقدند که صغیر ممیز می‌تواند عاریه بگیرد؛ زیرا این عمل نافع است و مشابه قبول هبه است. با این حال، این نظر قابل ایراد است؛ زیرا وقتی صغیر مال عاریه‌ای را می‌گیرد، ممکن است نتواند آن را حفظ کند و مسئول شناخته شود. بنابراین، این عمل رانمی‌توان با هبه مقایسه کرد. همچنین، مال عاریه برای استفاده شخصی به صغیر داده می‌شود. بنابراین، اذن ولی در این مورد ضروری است. برخی براین باور هستند که صغیر ممیز می‌تواند ودیعه قبول کند؛ زیرا تصور می‌شود که این عمل تصرف در اموال خود صغیر نیست. بنابراین، خارج از محدودیت‌های مربوط به حجر قرار دارد، اما این نظر نیز قابل نقد است؛ زیرا قبول ودیعه، صغیر را به نگهداری مال دیگران متعهد می‌کند و این یک عمل نافع نیست؛ زیرا صغیر ممکن است به دلیل قصور در نگهداری مال، مسئول شناخته شود.

همچنین ممکن است نیروی کاری که صغیر صرف حفظ مال می‌کند بدون هیچ منافع عقلایی تلف شود که خود نوعی ضرر به حساب می‌آید. براساس قاعده کلی، قبول ودیعه ارسوی صغیر ممیز بدون اذن ولی باید غیرنافذ باشد. صغیر ممیز بدون اذن ولی نمی‌تواند ازدواج کند. در حقوق امروز، ولی قهری می‌تواند برای صغیر عقد نکاح بیند، اما برای ازدواج

دختر قبل از ۱۳ و پسر قبل از ۱۵ سال اجازه دادگاه نیز لازم است. در فقه امامیه، برخی عقد صغیر ممیز را غیرنافذ می‌دانند؛ زیرا اراده حقوقی دارد، ولی پس از بلوغ می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند. بنابراین، عقد با اذن ولی برای صغیر ممیز نافذ است. (صفایی، ۱۴۰۰) اگر صغیر، چه ممیز و چه غیرممیز به دیگری زیان وارد کند مسئول خواهد بود. در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی آمده است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید ضرری به دیگری وارد کند، ضامن است». این ماده از فقه اسلامی گرفته شده و در فقه، مسئولیت مدنی بدون تفاوت بین اتلاف و تسیب پذیرفته شده است. اگر مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر باشد این ایراد مطرح می‌شود که صغیر غیرممیز و مجنون چون درک و تمیز ندارند، نمی‌توانند مقصراً باشند؛ زیرا تقصیر به درک و تمیز نیاز دارد. به همین دلیل، ماده ۱۲۱۶ که صغیر غیرممیز و مجنون را مسئول می‌داند با قواعد عمومی مسئولیت مدنی تطابق ندارد و حتی می‌توان گفت این تصمیم غیرمنطقی و ناعادلانه است؛ زیرا قانون برای شخص بالغ و عاقل در صورت ارتکاب تقصیر، مسئولیت می‌طلبد و صغیر و مجنون را بدون تقصیر، مسئول می‌داند. این برخورد نسبت به محجورین که نیاز به حمایت بیشتری دارند توجیه‌پذیر نیست. در پاسخ می‌توان گفت که تقصیر در مسئولیت مدنی به معنای رفتار غیرمتعارف است و نیازی به درک و تمیز ندارد. بنابراین، باید رفتار کودک را با رفتار فرد بالغ و عاقل مقایسه کرد نه با رفتار سایر کودکان (کاتوزیان، ۱۳۹۹).

۲-۱-۳. جنون

مجنون به کسی گفته می‌شود که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای دماغی مبتلاست. مجنون و سفیه را باید یکی پنداشت؛ زیرا سفیه، شخص عاقلی است که نمی‌تواند امور مالی خود را اداره کند، ولی به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا نیست. در فقه امامیه چنین تفکیکی دیده نمی‌شود و چیزی در قالب مجنون نسبی شناخته نشده است. جنون درجاتی دارد که در برخی از کشورها مانند فرانسه بین درجات جنون تفکیک قائل شده و متناسب با درجه آن قوانینی برای حمایت از محجور برقرار کرده‌اند. در حقوق ایران، قانون‌گذار بدون هیچ توجهی به این درجات، مقرر می‌دارد جنون به هر درجه که باشد موجب حجر

است. این مسئله در مورد کسانی که به بیهوشی یا اغما به طور مستمر یا ادواری مبتلا هستند نیز مطرح می‌شود. در این مورد نیز شاید بتوان آنها را در حکم مجنون قرار داد و به حکم دادگاه، یک رژیم حمایتی برای آنها برقرار کرد، هرچند که قبول این راه حل بدون تصریح قانون‌گذار خالی از اشکال نیست. قابل ذکر است که هرگاه این‌گونه اشخاص درحال فقدان شعور و اراده، اعمال حقوقی انجام دهنده اعمال مجبور در صورت اثبات فقدان قصد، باطل و کأن لم یکن خواهد بود، البته برای ابطال این اعمال به حجر نیازی نیست، بلکه نظریه اراده و قصد کافی است، اما برقراری یک رژیم حمایتی برای اداره امور آنها مانند قیوموت به حجر نیاز دارد.

(صفایی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳)

(اول) اقسام جنون: جنون متصل و غیرمتصل به صغیر: در این تقسیم‌بندی، مجنون را به اعتبار زمان ابتلایش به جنون به دو گروه تقسیم کرده‌اند: مجنونی که جنون او متصل به دوران صغراست و مجنونی که جنون او متصل به ایام صغیر نیست. به این تقسیم‌بندی در بند ۲ و ۳ ماده ۱۲۱۸ ق.م. اشاره شده است. هردو گروه محجور هستند و تمام تصرفات و اعمال حقوقی آنها باطل است، اما هرگاه گروه نخست، ولی خاص داشته باشند به قیم احتیاجی ندارند و سرپرستی آنها با ولی خاص است. برای گروه دوم باید قیم نصب شود، هرچند پدر و جد پدری داشته باشند.

جنون دائمی و جنون ادواری: براساس ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، مجنون به اعتبار استمرار جنون و عدم استمرار آن به مجنون دائمی یا اطباقی و مجنون ادواری تقسیم می‌شود. مجنون دائمی، جنون مستمر و مداوم دارد، اما مجنون ادواری، حالات متفاوت دارد. گاهی درحال جنون و گاهی درحال افاقه به سر می‌برد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۴)

(دوم) عمال حقوقی و مسئولیت مدنی مجنون: مجنون دائمی به دلیل ناتوانی در استفاده از عقل و درک، قادر به انجام اعمال حقوقی نیست و نمی‌تواند قصد یا اراده‌ای برای انجام این اعمال داشته باشد. به همین دلیل، مشابه با صغیر غیرممیز، او در معرض حجر کامل قرار دارد و

هیچ‌گونه تصرف یا معامله‌ای از او معتبر نیست. براساس ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، تمام تصرفات و معاملات مجنون دائمی باطل است. افرادی که مجنون ادواری هستند در زمان افاقه می‌توانند مانند افراد عاقل اقدام به انجام معاملات کنند و این معاملات در صورتی که افاقه آنها قطعی باشد معتبر و نافذ است. در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت مدنی مجنون آمده است: «اگر مجنون، ضرری به دیگران وارد کند و نیاز به جبران آن باشد مسئولیت این جبران بر عهده کسی است که نگهداری از او را برعهده دارد. در این شرایط باید خسارت از مال مجنون پرداخت شود، اگر موجب تنگدستی مجنون نشود، اما اگر تقصیر از نگهدارنده باشد به دلیل کم‌توجهی در نگهداری از مجنون، جبران خسارت بر عهده اوست» (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵).

۳-۱-۳. غیررشید (سفیه)

براساس ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، غیررشید یا سفیه کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد. سفیه را نباید با مجنون اشتباه گرفت. مجنون، فاقد قوه درک و تشخیص و مبتلا به اختلال کامل قوای دماغی است، اما سفیه چنین نیست، بلکه مرحله‌ای از درک و تشخیص را دارد و حتی ممکن است مدارج علمی و ارزش اجتماعی داشته باشد، ولی به دلیل ضعف قوای دماغی یا ضعف اراده نمی‌تواند اموال خود را به طور عاقلانه اداره کند. سفیه در مقابل رشید به کار می‌رود. بنابراین، رشید در حقوق مدنی کسی را گویند که بتواند در اموال خود عاقلانه تصرف کند. در عمل، ۱۸ سال تمام شمسی را سن رشد می‌دانند و فرد در اداره امور خودش استقلال پیدا می‌کند، مگر اینکه عدم رشد او به اثبات برسد. غیررشید به کسی گفته می‌شود که پس از بلوغ، رشد کافی را به دست نیاورده یا پس از تحصیل رشد، آن را از دست داده است. صغیر ممیز کسی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده، ولی تاحدی قدرت درک و تشخیص و تمیز سود و زیان در معاملات را به دست آورده است، البته می‌توان گفت هر غیرممیزی، غیررشید هم هست، ولی هیچ ممیزی پیش از بلوغ، رشید محسوب نمی‌شود. (صفایی، ۱۴۰۰).

(اول) اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی غیررشید: حجر سفیه محدود به امور مالی است و در امور غیرمالی مانند طلاق، سفیه می‌تواند اعمال حقوقی انجام دهد در صورتی که صغیر ممیز، هم در امور مالی و هم در امور غیرمالی محجور است و نمی‌تواند با اراده مستقل خویش عمل حقوقی انجام بدهد مگر در پاره‌ای از موارد که قانون‌گذار به او اجازه داده است. ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «معاملات و تصرفات غیررشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او، اعم از اینکه اجازه قبلًاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل داده شود». نقطه اشتراک سفیه با صغیر ممیز این است که اعمال حقوقی سفیه نیز مانند صغیر ممیز به سه گروه تقسیم می‌شود: اعمال صرفاً مضر، اعمال صرفاً نافع و اعمالی که احتمال نفع و ضرر دارد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۲)

غیررشید نیز مانند سایر محجورین، مسئولیت مدنی دارد و قانون‌گذار به دلیل عدم رشد وی در امور مالی، امتیازی در این باره برای او قائل نشده است. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر شود، ضامن است». این ماده چنان‌که گفته شد مبتنی بر فقه اسلامی است و در فقه درباره ضمان قهری تفاوتی بین رشید و غیررشید نیست. فقهاء حجر را مربوط به اعمال حقوقی و نه افعال و اعمال زیان‌آور می‌دانند. سفیه برخلاف صغیر غیرممیز، قدرت عقل و تمیز دارد، پس مانع برای مسئولیت مدنی وی وجود ندارد، حتی اگر تقصیر، مبنای مسئولیت تلقی شود و در مفهوم تقصیر براساس نظریه سنتی، درک و تمیز، شرط باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۹)

۲-۳. حمایت از محجورین در حقوق ایران

محجورین به دلیل سن کم و ضعف یا اختلال در قوای روحی، توانایی اداره امور خود را ندارند و نیازمند کمک دیگران هستند. قانون‌گذار برای حمایت از این افراد علاوه بر تعیین حجر که هدفش حفظ حقوق و منافع آنهاست اشخاصی را مسئول اداره امور آنها می‌کند. این افراد باید اهلیت کامل داشته باشند و وظیفه آنها مراقبت شخصی یا مدیریت امور مالی محجورین

است. براساس ماده ۱۱۹۴ این مسئولیت ممکن است به پدر، جد پدری، وصی منصوب از سوی آنها یا شخصی که دادگاه تعیین می‌کند، واگذار شود. پدر، جد پدری و وصی منصوب، ولی خاص شناخته می‌شوند و فردی که دادگاه او را منصوب می‌کند قیم نامیده می‌شود. گاهی برای حمایت از محجور، نهادهای دیگری مانند امانت‌گذاری یا سرپرستی به کار گرفته می‌شود.

در حقوق مدنی، ولایت به معنای اختیاری است که قانون برای اداره اموال یا مراقبت از محجور به فردی واجد صلاحیت می‌دهد. ولایت قهری مخصوص پدر و جد پدری است و چون به صورت اجباری و به حکم قانون اعمال می‌شود به آن قهری می‌گویند. ولی قهری نماینده قانونی مولی‌علیه است و وظیفه دارد با رعایت مصلحت، امور مالی و شخصی محجور را اداره کند. اگر محجور غیررشید باشد ولی قهری تنها مسئولیت اداره اموال او را برعهده دارد. این فرد می‌تواند معاملات مالی برای محجور انجام دهد، مشروط به اینکه این معاملات به سود او باشد و هیچ‌گونه ضرری نرساند. هریک از پدر یا جد پدری به تنها یی می‌تواند اقداماتی مانند فروش، اجاره یا خرید برای محجور انجام دهد و اگر این اقدامات در راستای منافع محجور باشد دیگری حق اعتراض ندارد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵)

۴. انواع محجورین و حدود حجر و مسئولیت مدنی آنها در حقوق آلمان

حقوق و اعمال محجورین در نظام حقوقی آلمان نیز اهمیت بسیاری دارد. در قانون آلمان، محجورین افرادی هستند که به دلیل سن، وضعیت روانی یا سایر عوامل، توانایی انجام بسیاری از کارهای حقوقی را ندارند یا این توانایی در آنها محدود شده است. محجورین در قانون آلمان عبارتند از: محجورین به دلیل سن کم (کودکان و نوجوانان) (نوری، ۱۴۰۳، ماده ۱۰۶ و ۱۰۴)؛ محجورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی (نوری، ۱۴۰۳، بند ۲ ماده ۱۰۴)؛ و محجورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب (نوری، ۱۴۰۳، ماده ۱۸۹۶).

۴-۱. کودکان و نوجوانان (محجورین به دلیل سن کم)

در بند ۱ ماده ۱۰۴ قانون مدنی آلمان (BGB) آمده است: «افراد زیر ۷ سال اهلیت قانونی ندارند و این به این معناست که این افراد نمی‌توانند به تنها یی اعمال حقوقی انجام دهند و اثر عمل حقوقی ایجاد تعهد یا انتقال مال برایشان داشته باشد؛ زیرا کودکان در این سن درکی از پیامدهای قانونی اعمال خود ندارند». می‌توان گفت که کودکان زیر ۷ سال نمی‌توانند قرارداد بینندن و توانایی پذیرش تعهدات قانونی را ندارند و هر عمل حقوقی که توسط آنها انجام شود از نظر قانون باطل است. تنها در صورتی عمل آنها مورد پذیرش است که والدین یا قیم قانونی آنها تأیید کنند، البته در این باره استثنائی نیز برای عمل کودک وجود دارد مانند اگر عمل حقوقی به نفع کودک باشد.

۴-۱-۱. حدود حجر کودکان زیر ۷ سال

کودکان زیر ۷ سال نمی‌توانند قراردادهای مالی یا حقوقی منعقد کنند و اگر معامله‌ای نیز منعقد شود از نظر قانونی باطل است و حتی اگر والدین موافقت کنند و اجازه والدین و اطلاع آنها هم وجود داشته باشد خود کودک نمی‌تواند طرف اصلی قرارداد شناخته شود؛ زیرا کودک، اهلیت قانونی ندارد. پس حجر کودک شامل تمام اعمال حقوقی از معاملات مالی، تعهدات قراردادی و انتقال مالکیت است و در امور غیرمالی مانند تصمیمات مرتبط با آموزش یا تربیت نیز بازهم خود کودک اراده‌ای ندارد و والدین یا قیم قانونی مسئولیت دارند. ماده ۱۰۶ BGB مقرر می‌دارد: «نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال نیز اهلیت حقوقی محدودی دارند که نشان‌دهنده این است که افراد در این بازه سنی می‌توانند اعمال حقوقی انجام دهند، اما این اعمال تنها تحت شرایط خاصی معتبر است. این محدودیت برای حمایت از نوجوانان در برابر تصمیم‌گیری‌های ناپخته و عوامل زیان‌آور است. نوجوانان در این بازه سنی برخلاف کودکان، توانایی انجام برخی اعمال حقوقی را دارند، اما این اختیار و توانایی به شرطی قابل قبول است که همراه با رضایت والدین یا نماینده قانونی باشد. این محدودیت به دلیل عدم بلوغ کامل

عقلی و تجربی نوجوانان و نیازمندی آنها به حمایت مالی و حقوقی است». برای اینکه اعمال حقوقی آنها اعتبار داشته باشد نیاز به وجود شرایطی است که عبارتند از: رضایت قیم: براساس ماده ۱۰۷ BGB تنها در صورتی عمل حقوقی نوجوان قابل قبول است که قیم قبل یا بعد از انعقاد قرارداد آن را تأیید کند. هرچند ماده ۱۱۰ BGB برخی اعمال را بدون نیاز به اجازه قیم معتبر می‌داند مانند معامله جزئی با پول توجیبی که دولت به آنها می‌دهد یا عمل حقوقی که به سود نوجوان است و برای او تعهدی ایجاد نمی‌کند.

۲-۱-۴. حدود حجر نوجوانان

نوجوان نمی‌تواند قرارداد‌های مالی پیچیده با تعهدات بلند مدت منعقد کند، مگر با تأیید قیم. او می‌تواند قرارداد‌هایی منعقد کند که زیان آور نباشند یا ریسک مالی بالایی نداشته باشند. در غیر این صورت، حتی اگر رضایت قیم وجود داشته باشد گاهی توسط دادگاه لغو می‌شود. نوجوان قادر به انجام برخی تصمیمات غیرمالی مانند امور مرتبط با تحصیل یا فعالیت‌های ورزشی با توجه به رضایت ضمنی قیم است. تصمیماتی که بر حقوق اساسی او تأثیر می‌گذارد مانند تغییر نام یا تغییر محل سکونت، نیازمند رضایت صریح قیم و حتی گاهی نیازمند تأیید دادگاه است. از سن ۱۴ سالگی به موجب قوانین کیفری آلمان مسئول شناخته می‌شود که این موضوع اهلیت حقوقی جداگانه‌ای است. اگر نوجوان عمل حقوقی انجام داد که نیاز به تأیید قیم داشته باشد و این تأیید وجود نداشته باشد عمل حقوقی او به طور موقت غیرمعتبر است تا زمانی که تأیید یا رد شود.

۴-۲. محجورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی

افرادی که به دلیل بیماری روانی یا اختلال ذهنی دائمی، توانایی درک ندارند و صلاحیت خود را برای انجام اعمال حقوقی ازدست داده اند فاقد اهلیت قانونی هستند. بیماری روانی یا اختلال ذهنی باید دائمی باشد نه موقت، البته این وضعیت باید مانع از درک این شود که شخص نتواند پیامدهای حقوقی اعمال خود را متوجه شود. در این صورت، تمام اعمال

حقوقی که این شخص انجام می‌دهد مانند انعقاد قرارداد یا انتقال مالکیت، باطل است، مگر در صورتی که عمل حقوقی که انجام می‌دهد به نفع فرد باشد و تعهدی برای او ایجاد نکند. این افراد فاقد اهلیت قانونی هستند و برای انجام عمل حقوقی نیاز به تعیین نماینده قانونی یا قیم دارند. براساس ماده ۱۰۵ BGB اعمال حقوقی افرادی که در حالت اختلال روانی موقت یا دائم قرار دارند، باطل است. این ماده شامل اختلالات دائمی است و اختلالات موقتی را نیز دربرمی‌گیرد. در این صورت، هر عمل حقوقی که در این حالت انجام می‌شود به طور خودکار باطل است، حتی اگر فردی در زمان توانایی ذهنی اقدام کرده باشد عمل حقوقی انجام شده در زمان اختلال معتبر نخواهد بود. این ماده، اعمال حقوقی را که به طور موقت در زمان اختلال انجام شده است را نیز باطل می‌داند و باید قیم یا نماینده قانونی به جای فرد تصمیم بگیرد.

۴-۲-۴. حدود حجر محجورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی
افراد فاقد توانایی ذهنی دائمی، فاقد اهلیت قانونی کامل هستند و تمام اعمال حقوقی آنها نیاز به قیم یا نماینده قانونی دارد. درنتیجه، تمام اعمال حقوقی که این افراد انجام می‌دهند همچنین اعمال حقوقی که افراد با اختلالات موقت در حالت اختلال انجام داده‌اند، باطل است، هرچند ممکن است در شرایط عادی اهلیت قانونی داشته باشند.

۴-۳. محجورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب
ماده ۱۸۹۶ BGB به افرادی اشاره دارد که به دلیل اعتیاد یا رفتارهای مخرب توان اداره امور خود را ندارند. این ماده چارچوب قانونی تعیین قیم برای حمایت از این دسته افراد را مشخص می‌کند و تفاوت‌هایی با محجوریت به دلیل روانی یا جسمی دارد. این اشخاص اعتیاد به مواد مخدر، الکل، قمار یا سایر رفتارهایی که به طور جدی، توانایی فرد را در مدیریت امور مالی یا شخصی مختل می‌کند، دارند. همچنین این اشخاص به دلیل رفتارهای مخرب یا اعتیاد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه یا مدیریت منظم زندگی خود را ازدست داده‌اند.

۴-۳. حدود حجر محجورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب

محجورین می‌توانند در تمام تصمیمات زندگی خود آزادانه عمل کنند به جز تصمیمات مالی مانند مدیریت اموال یا پرداخت بدهی‌ها و همچنین امور بهداشتی مانند تصمیم‌گیری‌های پزشکی و قراردادهای مالی حقوقی پیچیده. تفاوت این دسته با محجورین به دلیل اختلالات روانی یا جسمی عبارت است از: ناتوانی محجورین به دلیل اختلالات روانی یا جسمی، بیماری روانی یا ناتوانی جسمی دائمی است که مانع درک حقوقی می‌شود و اهلیت حقوقی این افراد را به طور کامل زائل می‌کند. این افراد اهلیت حقوقی ندارند و برای تمام اعمال خود نیازمند قیم هستند. اراده این افراد می‌تواند به دلیل اختلال دائمی به طور کامل قابل تشخیص نباشد و در تصمیم‌گیری امور روزمره خود نیز نیازمند قیم قانونی باشند. دادگاه بر تمام امور حقوقی و مالی آنها نظارت دارد. در ناتوانی محجورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب، شرایط آنها به تصمیم‌گیری هایشان آسیب می‌زنند و این محدودیت‌ها تنها در حوزه‌های ضروری اعمال می‌شود. چنانچه فرد توانایی ابراز اراده آگاهانه داشته باشد سرپرست تعیین نمی‌شود و در تصمیمات ساده و روزمره خود استقلال دارند. از طرفی، تعیین سرپرست باید توسط دادگاه تأیید و به طور محدود اعمال شود. درنهایت می‌توان این نتیجه را گرفت که محجوریت به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب بر حفظ تعادل بین حمایت از فرد و احترام به استقلال او تمکز دارد. در حالی که افراد مبتلا به اختلالات روانی یا جسمی، فاقد اهلیت قانونی کامل هستند. در مورد افراد با رفتارهای مخرب یا اعتیاد، قانون تلاش می‌کند تا سرپرستی را محدود و مناسب با نیازهای خاص فرد اعمال کند. این رویکرد از یک سو از فرد محافظت می‌کند و از سوی دیگر به او فرصت بازگشت به زندگی مستقل را می‌دهد.

۴-۴. حمایت از محجورین در حقوق آلمان

مواد ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۸ BGB به تعیین قیم اشاره دارند و بخشی از نظام حقوقی آلمان برای حمایت از اشخاصی هستند که ناتوان ذهنی یا جسمی دارند یا به دلیل شرایط خاص، توانایی مدیریت امور خود را ندارند. این قوانین برای تعادل میان حمایت قانونی از این افراد و حفظ

استقلال آنها تعیین شده است. اگر شخصی که به سن قانونی رسیده است به دلیل بیماری روانی یا ذهنی یا ناتوانی جسمی به طور کامل یا جزئی قادر به اداره امور خود نباشد دادگاه به درخواست او یا با ابتکار خود، برای او سرپرستی در قالب قیم نصب می‌کند. این درخواست همچنین ممکن است توسط شخصی که قادر به انجام معاملات قانونی نیست، ارائه شود. اگر شخص بالغ به دلیل ناتوانی جسمی نتواند امور خود را مدیریت کند قیم فقط به درخواست شخص بالغ منصوب می‌شود، مگر اینکه شخص نتواند اراده خود را اعلام کند. همچنین قیم نمی‌تواند برخلاف اراده آزاد شخص بالغ منصوب شود. قیم تنها برای وظایف مشخصی که سرپرستی در آنها ضروری است، منصوب می‌شود. سرپرستی تاجایی که امور شخص بالغ می‌تواند توسط فردی دارای وکالت که از افراد مندرج در ماده ۱۸۹۷ (۳) نیست یا توسط سایر دستیارانی که نیاز به نماینده قانونی ندارند به همان خوبی قیم انجام شود، ضروری نیست. مطالبه حقوق شخص تحت سرپرستی، در برابر شخصی که از سوی او تعیین شده است، ممکن است در قالب گروهی از وظایف تعریف شود.

براساس ماده ۱۸۹۶ BGB تصمیم‌گیری در مورد ارتباطات تلفنی شخص تحت سرپرستی، دریافت، بازکردن و نگهداری پست‌های او فقط در صورتی جزو وظایف قیم گنجانده می‌شود که دادگاه به صراحت این امر را دستور داده باشد.

این ماده چارچوب تعیین قیم را مشخص می‌کند تا افراد محجور به دلیل ناتوانی خود، قربانی سوءاستفاده یا تصمیم‌گیری‌های اشتباه نشوند. وظایف قیم در مدیریت امور مالی و حقوقی فرد محجور، تضمین‌کننده منافع و دارایی این افراد است. همچنین محدودیت‌هایی برای قیم وجود دارد که نمونه بارز آن، نظارت دادگاه است که برای جلوگیری از سوءاستفاده قیم از حقوق محجور است. نکته‌ای مهم این است که حتی اگر قیم تعیین شود قانون تلاش دارد استقلال فرد تحت قیمهای را در امور روزمره او حفظ کند که این امر نشان‌دهنده توازن میان حمایت و آزادی است. نکته دیگر اینکه قیم نمی‌تواند برخلاف اراده فرد تعیین شود، ولی

اگر فرد نتواند اراده خود را به وضوح بیان کند یا تصمیماتی که می‌گیرد به ضرر او باشد دادگاه می‌تواند بدون اذن او قیم تعیین کند. ماده‌های ۱۹۰۱، ۱۹۸۷ و ۱۹۰۲ BGB به ویژگی‌ها و وظایف قیم اشاره کرده است.

در ماده ۱۸۹۷ BGB در مورد انتخاب قیم آمده است:

- بند ۱: قیم باید فردی باشد که برای مدیریت امور محجور مناسب باشد؛
- بند ۴: اگر فرد تحت قیمومت، شخص خاصی را پیشنهاد کند و این پیشنهاد برخلاف منافع وی نباشد دادگاه باید آن شخص را انتخاب کند؛
- بند ۵: اگر نزدیکان فرد توانایی و تمایل به پذیرش قیمومت داشته باشند آنها در اولویت قرار دارند.

براساس ماده ۱۹۰۱ BGB وظایف عمومی قیم عبارت است از:

- بند ۱: قیم باید وظایف خود را به گونه‌ای انجام دهد که منافع فرد تحت قیمومت حفظ شود؛
- بند ۲: قیم باید در تصمیم‌گیری‌ها، خواسته‌ها و ترجیحات فرد تحت قیمومت را تاحد امکان در نظر بگیرد.

در ماده ۱۹۰۲ BGB در مورد نمایندگی قانونی آمده است: «قیم مجاز است در چارچوب وظایف در قالب نماینده قانونی فرد تحت قیمومت عمل کند». در قانون مدنی آلمان (BGB) چارچوب دقیقی برای تعیین قیم، وظایف، اختیارات و محدودیت‌های او فراهم می‌کنند. هدف این قوانین حمایت از محجورین، حفظ حقوق اساسی آنها و جلوگیری از سوءاستفاده است.

۵. تفاوت‌ها و شباهت‌های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

۵-۱. شباهت‌های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

اگرچه هردو نظام رویکردها و روش‌های متفاوتی برای وضع قانون دارند، اما نقاط مشترکی باهم دارند که عبارتند از:

-در هردو کشور، هدف ایجاد قاعده حمایت از محجورین و جلوگیری از آسیب مالی یا اجتماعی برای آنهاست،

-نظام حقوقی هردو کشور صغار و مجانین و افراد فاقد توانایی مالی یا ذهنی را تحت حمایت قانونی قرار داده است؛

-هردو نظام برای حمایت از محجورین و برای جلوگیری از ضایع شدن حق آنها و آسیب‌های موجود، قیومیت را برای مدیریت امور ارائه کرده است.

۵-۲. تفاوت‌های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

-در مورد معتادان یا افراد با رفتار مخرب، هیچ نص صریح قانونی در حقوق ایران وجود ندارد، اما در قانون آلمان در ماده ۱۸۹۶ BGB آمده است: «افرادی که به دلیل اعتیاد یا رفتارهای مضر، توانایی مدیریت امور خود را ازدست داده‌اند تحت قیومیت قرار می‌گیرند»؛

-براساس ماده ۱۱۰ BGB در آلمان، معاملات جزئی صغار از محل منابع شخصی مانند پول توجیبی که دولت به آنها می‌دهد در نظر گرفته می‌شود، اما در ایران، تمام معاملات مالی نیاز به اجازه ولی یا قیم دارد؛

-براساس ماده ۱۹۰۱ BGB حقوق آلمان نسبت به محجورین، اراده و خواسته فرد را تحدید زیادی مورد توجه قرار داده است، اما در نظام حقوقی ایران، توجه به اراده محجور کمتر تأکید شده و ولی یا قیم تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و تمام اختیارات به ولی یا قیم داده شده است.

۶. نتیجه‌گیری

مبنای این دو نظام حقوقی ایران و آلمان، حمایت از محجورین است تا این افراد در برابر آسیب‌های اجتماعی و مالی محفوظ بمانند. از طرفی، هردو نظام، رویکرد حمایتی دارند و برای مدیریت امور محجورین، سیستم قیومیت را تعیین کرده‌اند. محجورین در هردو نظام در بیشتر موارد مشابه هستند، البته حقوق آلمان علاوه بر صغیر، غیررشید و مجنون، محجور به دلیل اعتیاد و رفتار مخرب را نیز مورد بحث قرار داده است. تفاوت‌هایی در برخی حدود

حجر در دو نظام وجود دارد. می‌توان گفت ایران رویکرد سنتی‌تر دارد و مبتنی بر نظارت ولی یا قیم برای حفاظت مستقیم از محجور است. این رویکرد در برخی موارد ممکن است استقلال فردی محجور را محدود کند، اما برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در فرهنگ‌های سنتی‌تر کارآمد است، اما آلمان رویکردی مدرن‌تر دارد و تأکیدش بیشتر بر مداخله و احترام به اراده محجور است و نه تنها از او حمایت می‌کند، بلکه تلاش می‌کند استقلال فردی او را حتی در شرایط قیومیت حفظ کند. هردو نظام در راستای اهداف حمایتی خود موفق هستند.

فهرست منابع

۱. ارشدی، علی‌یار (۱۳۸۴). *شرح حقوق مدنی ایران: حقوق اشخاص*. تهران: سایه روش.
۲. امامی، حسن (۱۴۰۳). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات اسلامیه.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۴۰۱). *اشخاص و حمایت قانونی آنان*. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۱). *تمثیل‌و تعلیم حقوقی*. تهران: گنج دانش.
۵. جلیلی، معصومه (۱۳۸۱). *بررسی و مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی قولنامه و آثار آن در حقوق ایران، فرانسه، آلمان، سوئیس، آمریکا، مصر و عراق*. مجله کانون، ۴۶(۴۰)، ۴۱-۴۶.
۶. حاثری (شاهباغ)، سید علی (۱۳۲۸). *شرح قانون مدنی*. تهران: گنج دانش.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۸). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. رفیعی، محمد تقی (۱۴۰۲). *فرهنگ حقوقی مجد*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۹. سهیلی‌نژاد، حسین (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی محجورین و سرپرستان در حقوق ایران و پیش‌نویس قانون مدنی اتحادیه اروپا*. بروجرد: دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
۱۰. شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۹۸). *حقوق اساسی تطبیقی: انگلستان، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان*. تهران: گنج دانش.
۱۱. صفائی، سید حسین، و قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۹۴). *اشخاص و محجورین*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳). *الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)*. تهران: گنج دانش.
۱۳. حقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۸). *حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی.
۱۴. منصور، جهانگیر (۱۴۰۱). *قانون مدنی ایران*. قم: نشر دیدآور.
۱۵. نوری، محمدعلی (۱۴۰۳). *قانون مدنی آلمان*. تهران: گنج دانش.

1. Reinhard, D. (2016). Incapacitated persons' participation rights and the legal concept of the capacity to consent. *Bundesgesundheitsblatt Gesundheitsforschung Gesundheitsschutz*, 59(9), 84.